

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا.م. شیری  
۲۸ جولای ۲۰۱۸

## ترزهای حزب کمونیست یونان

در دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی علمی - عملی "و. ای. لنین در دوران معاصر"

### خطر جنگ‌های امپریالیستی و موضع کمونیست‌ها

تضادهای بین‌امپریالیستی منجر به دهها جنگ محدود، منطقه‌ای و دو جنگ جهانی در گذشته، در راستای مناقشات شدید اقتصادی، سیاسی و نظامی، مستقل از ترکیب یا بازتشکیل، یعنی مستقل از تغییر ساختار و اهداف اتحادیه‌های امپریالیستی فراملی، جدای از به اصطلاح "معماری" جدید آنها ادامه دارد. به اضافه این، "جنگ یعنی ادامه سیاست با ابزار دیگر"، به ویژه در شرایط بحران عمیق انباشت بیش از حد سرمایه و تغییر قابل ملاحظه تعادل قوا در نظام امپریالیستی بین‌المللی که تقسیم مجدد بازار به ندرت بدون خونریزی اتفاق می‌افتد.

امروز تضادهای حاد امپریالیستی و تناقضات عمده کشورهای قدرتمند سرمایه‌داری و منافع، در سمت تشکیل دائمی اتحادیه‌ها، ایجاد دائمی ائتلاف‌ها و ضد ائتلاف‌ها در جهان تکامل می‌یابد.

تشدید تضادهای بین‌امپریالیستی نه تنها به افزایش هزینه‌های نظامی، حتی به تجدید گروه‌بندی کشورهای سرمایه‌داری به لحاظ قدرت نظامی آنها منجر گردیده است. بر اساس داده‌های مؤسسه مطالعات مسائل بین‌المللی ستکهلم، هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۱۵ با افزایش یک درصد نسبت به سال ۲۰۱۴، به یک تریلیون و ۷۰۰ میلیارد دلار بالغ گردید.

ایالات متحده آمریکا سالانه با صرف ۶۰۰ میلیارد دلار برای هزینه‌های نظامی، یعنی، با مصرف مبلغی برابر با مجموع مخارج نظامی ده قدرت نظامی جهان، همچنان قدرتمندترین قدرت نظامی جهان شناخته می‌شود.

روسیه از منظر قدرت نظامی در جایگاه دوم جهانی قرار دارد. این کشور با نوسازی و تقویت توان نظامی خود در راستای تأمین منافع انحصارات خود تلاش می‌کند. بدین منظور، ۶۶ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵ برای نیازهای نظامی هزینه کرد که این مبلغ، ۷ و نیم درصد در مقایسه با سال ۲۰۱۴ و ۹۱ درصد در مقایسه با سال ۲۰۰۶ بیشتر بود.

در حال حاضر مسابقه تسلیحاتی بین چین و هند (قدرت‌های نظامی سوم و چهارم جهان) به منظور پر کردن فاصله‌ها و ارتقاء توان نظامی خود به سطح منطبق با قدرت اقتصادی و دامنه گروه مؤسسات آنها مشاهده می‌شود.

یکسری دیگر از کشورهای متحد امریکا از مجموعه اعضای ناتو مانند فرانسه (پنجم)، بریتانیا (ششم)، ترکیه (هشتم)، المان (نهم)، ایتالیا (دهم) یا خارج از ناتو مانند جاپان (هفتم)، کوریای جنوبی (یازدهم) و اسرائیل (شانزدهم) نیز بر روی قدرت نظامی تمرکز نموده‌اند.

بی‌تردید، قدرت نظامی نه فقط بر اساس محاسبه هزینه‌های نظامی، همچنین، بر حسب امکان تجهیز، کنترل تولید جهانی و بازار اسلحه تعیین می‌شود. قدرت نظامی مسأله بسیار پیچیده‌تر در مورد ظرفیت کلی همه طبقه بورژوازی می‌باشد که در صورت ناکافی بودن ابزارهای اقتصادی و سیاسی -دیپلوماتیک برای دفاع از منافع خود در داخل و خارج از کشور، از ابزار نظامی استفاده می‌کند.

بنا بر این، علاوه بر مخارج نظامی سالانه، قدرت نظامی مشتمل است بر نیروهای مسلح متشکل طی سالهای طولانی، برتری فن‌آوری، وجود پایگاه‌های نظامی متناسب با مناطق تحت کنترل و دارای اهمیت ستراتیژیک در خارج، برتری در جمع‌آوری اطلاعات و همچنین، توانایی انجام جنگ‌های نامتقارن. قدرت نظامی مستلزم وجود صنایع قدرتمند نظامی، امکان آموزش حرفه‌ای نظامیان با استفاده از فن‌آوری‌های جدید و بازآموزی پرسنل نظامی، نوسازی دائمی فن‌آوری نظامی و سطح بالای توسعه فن‌آوری می‌باشد. به ویژه این که برخی انواع تسلیحات، مثلاً، تسلیحات هسته‌ای، به انجام تحقیقات و مخارج هنگفت نیاز دارد.

تسلیحات هسته‌ای در دوره امروزی از اهمیت جدی برخوردار است. کشورهای ایالات متحده امریکا، روسیه، چین، هند، بریتانیا، فرانسه، اسرائیل، پاکستان و جمهوری کوریای شمالی تسلیحات هسته‌ای در اختیار دارند.

با وجود این، بین کشورهای دارنده تسلیحات هسته‌ای تفاوت‌های زیادی وجود دارد. به گونه‌ای که در میان آن‌ها از لحاظ پتانسیل زرادخانه هسته‌ای امریکا و روسیه در صدر قرار دارند. علاوه بر این، دو کشور هزاران کلاهک هسته‌ای آماده برای شلیک در اختیار دارند. در این میان، فقط انگلیس و فرانسه، احتمالاً اسرائیل، دارای جنگ‌افزار هسته‌ای آماده برای استفاده می‌باشند.

روسیه تنها قدرت نظامی بالقوه است که می‌تواند ضربه هسته‌ای متقابل به امریکا وارد آورد که آن هم با پیامدهای فاجعه‌بار همراه بود. تصور می‌شود، که این خطر کاربرد جنگ‌افزار هسته‌ای عامل بازدارنده محسوب می‌شود. با این وجود، تاریخ ثابت کرده است، که در صورت تشدید تضادهای بین‌امپریالیستی و بالا گرفتن مناقشات بین کشورهای سرمایه‌داری، کاربرد چنین تسلیحاتی حتی منتفی نیست.

بر اساس توضیحات فوق معلوم می‌شود که چرا یکی از دشواری‌های عمده رویارویی امروزی ایالات متحده امریکا و روسیه عبارت است از استقرار سپر دفاعی امریکا در اروپا و منطقه آسیا -اقیانوس آرام. این اقدامات گام‌هایی هستند در راستای ممانعت از پاسخ احتمالی روسیه به "ضربه اتمی اول" ایالات متحده امریکا و اتحادیه ناتو.

امکان واکنش سریع نظامی نیز از اهمیت جدی برخوردار است. ناتو برای ایجاد واحدهای واکنش سریع بشدت اصرار دارد، که قطعاً برای انجام کار خود به ابزارهای پیشرفته حمایتی شامل ناوهای هواپیمابر یا بمب‌افکن‌های ستراتیژیک، و همچنین، به مناطق جدید به مثابه پشتیبانی ژئوپلیتیک نیاز دارد، که از طریق اتحادیه‌های سیاسی و نظامی و پایگاه‌های نظامی در خارج به دست می‌آید.

توسعه فن‌آوری جدید، هواپیماهای نسل پنجم و ششم، سلاح‌های لیزری و غیره دارای تأثیر تعیین‌کننده در دوره بعدی تعادل قوای نظامی می‌باشند.

هر طبقه بورژوازی سعی می‌کند قدرت خود را از طریق اتحادیه‌های نظامی -سیاسی افزایش دهد. ناتو، گذشته از تناقضات بین خود اتحادیه و تمایل آشکار اتحادیه اروپا به ایجاد ساختار نظامی مستقل خود، همچنان در جایگاه

قدرتمندترین اتحادیه نظامی-سیاسی جهان قرار دارد. تصمیم ناتو در ورشو عزم قاطع امپریالیست‌های امریکا و اروپا برای دفاع از منافع خود به حساب آسیب زدن به منافع طبقه بورژوازی روسیه را که از ابزار نظامی در امتداد مرزهای روسیه-ناتو استفاده می‌کند، نشان می‌دهد.

امریکا و ناتو برنامه‌های مشابهی برای تقویت حضور خود در منطقه آسیا-اقیانوس آرام (راهبرد "بازگشته به آسیا") و همچنین در دیگر مناطق تدوین نمودند.

آنچه که به عرصه‌های موجود یا احتمالی رویارویی نظامی مربوط می‌شود، عبارت از مناطق جنوب غربی دریای مدیترانه، جنوب شرقی آسیا، شمال افریقا و دایره قطب شمال می‌باشد. البته، سایر اجاق‌های تنش یا مناطق انفجارآمیز مانند قفقاز، خلیج فارس، عدن و بالکان نیز از این مدعا مستثنی نیست.

افزون بر این، خطر رویارویی نظامی در اروپا (جنوب شرقی اوکراین و شبه‌جزیره کریمه)، و همینطور تقویت ناتو در حوزه بحیره بالئیک، بحیره سیاه مشهود است، اما هم در بالکان و هم در بحیره اژه عواملی به نفع امکان گسترش درگیری نظامی به سرزمین‌های اروپا نیز وجود دارد.

با این حال، به موازات ناتو، دیگر اتحادیه‌های نظامی-سیاسی (سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان دفاع جمعی [شامل نه جمهوری اتحاد شوروی سابق-مترجم [و اتحادیه‌های دیگر) تشکیل گردیده، که گذشته از "ضعف‌های" فعلی و توسعه‌یافتگی کمتر آنها در مقایسه با ناتو، همه آنها ماهیت طبقاتی دارند. به سخن دیگر، همه آنها اتحادیه‌های سرمایه‌داری هستند.

در عین حال، در برخی مناطق مانند امریکای لاتین و افریقا اتحادیه‌های اقتصادی-سیاسی مرتبط با ابزارهای دیگر گزینش سیاسی-نظامی مشخص و همکاری، شبیه به اتحادیه اروپا تشکیل می‌گردد. اضافه بر این، در کشورهای معین امریکای لاتین (کلمبیا، پرو، چیلی، مکزیک)، و حتی در سایر مناطق (مثلاً، استرالیا) نیز در راستای طرح مشترک حرکت به سوی برقراری "روابط مشارکتی" با ناتو اقداماتی به عمل می‌آید.

در سال‌های اخیر شمار ارتش‌های مزدور، یعنی شرکت‌های نظامی خصوصی (مثلاً، دزدی بحری، تجارت غیرقانونی مواد مخدر، آموزش نظامی، تروریسم) با افزایش قابل ملاحظه‌ای همراه بوده، که در دهه‌ها منطقه جنگی به مثابه فرستاده‌های کشورهای سرمایه‌داری انجام وظیفه می‌نمایند. این ارتش‌ها در اجرای طرح‌های امپریالیستی، در به اصطلاح جنگ‌های غیرمعمول مشارکت می‌جویند و در جنگ‌هایی که آنها شرکت دارند، زمینه مدیریت بهتر تلفات انسانی را برای دولت‌های بورژوائی فراهم می‌سازند.

علل رویارویی نظامی عبارتند از:

- نظارت بر منابع مولد انرژی و راه‌های حمل و نقل آنها (مثلاً، نفت، گاز، خطوط لوله انتقال نفت و گاز و غیره)؛
- برقراری نظارت بر راه‌های خشکی و آبی حمل و نقل کالاها (مثلاً، راه ابریشم، تنگه‌های بحیره مدیترانه، تنگه بسفور، شاخ افریقا و سایر جای‌ها)؛
- برقراری نظارت بر منابع زیرزمینی قطب شمال، ذخایر طبیعی، عناصر کمیاب زمین و ذخایر آب؛
- بهره‌برداری از فضای کیهانی در راستای اهداف نظامی؛
- نبرد برای سهم بازار که در آن ابزار نظامی نه تنها به قصد دستیابی به سهم جدید در بازار، حتی برای کاهش سهم رقباء استفاده می‌شود.

در چنین شرایطی، فعالیت گروه‌های موسوم به "تروریست‌های اسلامی" در واقع جزء جدائی‌ناپذیر جنگ‌های امپریالیستی قرن بیست و یکم هستند. و این واقعیت، گذشته از درجه وابستگی فعالیت چنین سازمان‌هایی به حمایت یا تحمل مراکز امپریالیستی یا جدای از مراکز قدرت جهانی که پیشتر از آنها پشتیبانی می‌کردند، آشکار است.

فعالیت این گروه‌ها به طور عینی یا به مثابه عناصر "جنگ‌های نامتقارن" آن کشور یا به عنوان بخشی از آن علیه منافع یک کشور دیگر، یا به عنوان دستاویزی برای تهاجمات امپریالیستی استفاده می‌شود. ناگفته روشن است، که همراه با این اهداف، فعالیت چنین سازمان‌هایی از سوی یکسری دولت‌های بورژوازی در راستای تشدید سازوکارهای سرکوبگرانه و همچنین، در جهت آماده‌سازی ایدئولوژیک زحمتکشان برای شرکت احتمالی کشورشان در تهاجمات جدید امپریالیستی به بهانه "مبارزه با تروریسم" مورد استفاده واقع می‌شود.

بی‌شک، همزمان با رقابت شدید در مبارزه برای دفاع از سودهای انحصارات، تلاش‌هایی در جهت جست و جوی راه‌های سازش، حصول توافق، توقف موقتی رویارویی، حتی تجدید گروه‌بندی اتحادیه‌ها به عمل می‌آید. رخدادهای درون خود اردوگاه آوروآتلانتیک نیز از صحت این مدعا گواهی می‌دهند.

رویدادهای ترکیه و سوریه نشان از بی‌ثباتی و تحرک در جهت تشکیل اتحادیه‌ها بین کشورهای مختلف سرمایه‌داری و احتمال تجدید گروه‌بندی اتحادیه‌ها دارد. با این وجود، نه تمایلات برای حفظ اتحادیه کهنه و نه گرایش‌های جدائی‌طلبانه را نمی‌توان مطلق دانست. تمرکز مستمر توجه بر روی روند مرتبط با تغییر توازن قوا بین اتحادیه‌ها و مراکز امپریالیستی که به اروپا نیز مربوط می‌شود و می‌تواند روند عمومی حوادث را مختل سازد، بسیار مهم است.

در این مرحله، گذشته از این که ناتو توسعه و گسترش می‌یابد و کشورهای آوروآتلانتیک را همواره به مثابه هسته قدرت خود حفظ می‌کند، ما نمی‌توانیم تصدیق کنیم که آن، مشی خود را در کل به طور دائمی، با ثبات و بدون آشفتگی حفظ می‌کند، زیرا، اتحادیه‌ها در متن تشدید تناقضات شکل می‌گیرند.

### وظایف حزب در مبارزه علیه جنگ‌های امپریالیستی

کنگره بیستم حزب کمونیست یونان تصریح نمود که جنگ‌های محلی و منطقه به مثابه بازتاب و نتیجه تشدید تضادهای بین امپریالیستی در مناطق بالقوه جنگی: در خاورمیانه، بحیره اژه، شبه جزیره بالکان، در افریقای شمالی، بحیره سیاه، اوکراین، در حوزه بحیره بالتیک، قطب شمال، در آبهای جنوبی و شرقی چین ادامه خواهد یافت.

به ویژه در منطقه ما احتمال تشدید تیرگی روابط بین یونان و ترکیه با جلب کشورهای دیگر وجود دارد. زیر سؤال بردن مرزها و حق حاکمیت یونان از سوی بورژوازی ترکیه بخشی از رابطه رقابتی آن با بورژوازی یونان در منطقه می‌باشد.

بورژوازی یونان به منظور به سازی موقعیت خود در منطقه وسیع، در طرح‌ها، مداخلات، رقابت‌ها و جنگ‌های امپریالیستی به طور فعال مشارکت می‌کند. آن، مسئول جلب احتمالی کشور به رویارویی مسلحانه می‌باشد.

برنامه حزب موضع ما در برخورد به جنگ‌های امپریالیستی و سمت و سوی فعالیت ما را مشخص نمود. در آن تأکید می‌شود، که "مبارزه برای دفاع از مرزها و حق حاکمیت یونان، از دیدگاه طبقه کارگر و لایه‌های خلقی جزء جدائی‌ناپذیر نبرد برای سرنگونی سرمایه می‌باشد. این هیچ گونه ارتباطی با طرح دفاعی این یا آن محور امپریالیستی، کسب سود این یا آن گروه انحصاراتی ندارد (...). وادار نمودن یونان به جنگ دفاعی یا تهاجمی در صورت دخالت نظامی امپریالیستی، حزب باید تشکل‌های مستقل کارگری، همه اشکال مبارزات مردمی را با هدف شکست کامل طبقه سرمایه‌داری بومی و خارجی (به عنوان متجاوز)، هدایت و رهبری نماید و آن را با مبارزه برای کسب قدرت پیوند

بزند. جبهه کارگری - خلقی باید به ابتکار و تحت رهبری حزب تشکیل شود و از همه اشکال مبارزه استفاده نموده، شعارهائی در راستای آزادی خلق و خروج از نظام سرمایه‌داری مطرح نماید. بورژوازی تا زمانی که حاکم است، به سوی جنگ حرکت خواهد کرد و "شقیقه" صلح را با تپانچه نشانه خواهد گرفت.

وظیفه پیشاهنگ طبقه کارگر - حزب کمونیست یونان - برای این که از مسأله اصلی، یعنی ماهیت امپریالیستی جنگ از هر دو طرف، مستقل از این که مهاجم کدام طرف است، دور نشود، باید مبارزات را دائماً وفق دهد، تخصصی و تشدید نماید. ما این موضع را به طبقه کارگر و لایه‌های مردمی توضیح می‌دهیم، و بر این مبنا، ما در زمینه‌های زیر مبارزه می‌کنیم:

• توضیح ماهیت امپریالیستی جنگ، خطرات و معرفی عاملان آن، تشریح ضرورت تقبیح سیاسی جنگ به مردم و مبارزه در راه خنثی کردن همه تلاش‌ها برای تغییر مرزها.

• نشان دادن این که در صورت مداخله نظامی، سیاست دولت بورژوائی خواه در شرایط افزایش آهنگ رشد اقتصادی سرمایه‌داری و خواه در شرایط تشدید بحران اقتصادی، تداوم سیاست عمومی به زیان منافع طبقه کارگر و لایه‌های زحمتکش خواهد بود.

• نشان دادن ضرورت بی‌اعتمادی به دولت سرمایه‌داری و این که "وحدت ملی" بین بورژوازی و طبقه کارگر در هیچ کشوری ممکن نیست و نمی‌تواند باشد.

• لزوم مقابله با هر گونه اتحادیه امپریالیستی، مبارزه در راه بستن همه پایگاه‌های نظامی خارجی در یونان، در جهت خروج کشور از ناتو و اتحادیه اروپا، برای بیرون کردن همه نیروهای نظامی ناتو از بحیره اژه.

• تأکید بر ضرورت سازماندهی مبارزه، مقاومت و ضدحمله طبقه کارگر و سایر اقشار مردمی، تشریح لزوم اتحاد اجتماعی بین آنها به منظور پایان دادن به تغییر مرزها، هجوم بالقوه و اشغال و همچنین، شرکت در جنگ‌های خارج از مرزهای ما. تشدید مبارزه علیه دولت‌های سرمایه‌داری، که زمینه جنگ‌ها را به کمک بورژوازی کشور دیگر در چهارچوب ناتو آماده می‌کنند و مردم را به قتلگاه سوق می‌دهند. هماهنگی مبارزه با کارگران و جنبش‌های خلقی سایر کشورها، پیوند دادن مبارزه با هدف ساقط کردن حاکمیت سرمایه‌داری در یونان و در ممالک همجوار تا خلق‌ها در آنجاها و در تمام جهان در سایه حاکمیت طبقه کارگر به حیات خود ادامه دهند.

روند حوادث ضرورت تشدید فعالیت‌ها علیه جنگ‌ها و تهاجمات امپریالیستی از طریق گسترش سازمان‌های حزبی و سازمان جوانان کمونیست یونان و همچنین، از راه توسعه فعالیت‌های اتحادیه‌های زحمتکشان، کارگران، جنبش‌های مردمی به طورکلی، کمیته صلح و خلع سلاح را، به ویژه، در مناطقی که پایگاه‌ها و قرارگاه‌های نظامی برای خدمت به ناتو و سیاست امنیتی و دفاعی مشترک اتحادیه اروپا مستقر شده، نشان می‌دهد.

برگردان، ا. م. شیرینی

۴ مرداد - اسد ۱۳۹۷